

# پرسش‌های بزرگ

درآمدی مختصر به فلسفه

رایرت لی. سالمون

برگردانندگان: مریم کلاب‌بخش و زهره خانی



# فهرست مطالب

## آغاز سخن

درآمد

فلسفه ورزیدن  
آنسوی واژه‌های پرآوازه  
بیان و دلیل: دو ویژگی بسیار مهم فلسفه  
مفاهیم و چارچوب‌های مفهومی  
سبک فلسفه ورزی

## اندکی منطق

قياس

استقرا

ادله نقدی

پرسش‌های پایانی

متون پیشنهادی

فصل ۱

پرسش‌های فلسفی  
پرسش‌های فلسفی  
پرسش‌های آغازین  
متون پیشنهادی

فصل ۲

معنای زندگی  
پرسش‌های آغازین  
معنای معنا  
فرزندان در مقام معنا  
خدای در مقام معنا  
زندگی پس از مرگ در مقام معنا  
اصل‌آ هیچ معنایی  
معنای زندگی  
زندگی در مقام بازی  
زندگی در مقام داستان  
زندگی در مقام تراژدی  
زندگی در مقام طنز  
زندگی در مقام رسالت

### فصل ۳ خدا

زندگی در مقام هنر  
زندگی در مقام ماجراجویی  
زندگی در مقام بیماری  
زندگی در مقام میل  
زندگی در مقام نیروها  
زندگی در مقام نوع دوستی  
زندگی در مقام شرافت  
زندگی در مقام آموختن  
زندگی در مقام رنج  
زندگی در مقام سرمایه‌گذاری  
زندگی در مقام ارتباطات  
پرسش‌های پایانی  
متون پیشنهادی

پرسش‌های آغازین  
ایمان به خدا  
ایزدان و ایزدبانوان  
تصورات سنتی غرب درباره خدا  
خدا در مقام امر متعالی  
خدا در مقام امر همه جا حاضر  
خدا در مقام همه جا حاضر مطلق؛ آیین همه‌خدایی  
خدا در مقام روح کلی  
خدا در مقام فرآیند  
خدا در مقام خالق متعالی؛ خداگرایی طبیعی  
خدا در مقام موضوع ناشناخته ایمان  
خدا در مقام موجودی اخلاقی  
مسئله شر  
انکار خدا  
دونوع شر  
انکار شر  
کمترین شرور  
راه حل تماضیت زیبایی شناختی  
راه حل اختیار مدارانه  
عدالت در زندگی پس از مرگ  
«راه‌های اسرارآمیز» خدا  
دستیابی به یک پاسخ  
ایمان و عقل؛ راه‌های ایمان آوردن  
دلیل کیهان شناختی  
دلیل از راه نظم

## فصل ۴

دلیل وجودشناختی  
 ایمان عقلاً نی  
 شرط‌بندی پاسکال  
 ایمان غیرعقلاً نی  
 مدارای دینی: مناسک، سنت، و معنویت  
 شک‌ها  
 پرسش‌های پایانی  
 متون پیشنهادی

ماهیت واقعیت  
 پرسش‌های آغازین  
 جهان واقعی  
 واقعی ترین امر چیست؟  
 واقعیت پشت ظواهر  
 رؤیاها، احساسات، و عقل: کلام واقعی است؟  
 مبنای مابعدالطبیعه  
 نخستین مابعدالطبیعه‌دانان  
 تالس  
 ماده‌گرایان پیشاسقراطی  
 نظرگاه‌های غیرفیزیکی نخستین در باب واقعیت  
 مثل افلاطون  
 مابعدالطبیعه ارسطو  
 ذهن و مابعدالطبیعه  
 رنه دکارت  
 باروخ اسپینوزا  
 گوتفرید ویلهلم فون لا یینتیس  
 تصورگرایی  
 غایت‌شناسی  
 مابعدالطبیعه و جهان روزمره  
 پرسش‌های پایانی  
 متون پیشنهادی

## فصل ۵

جستجوی صدق  
 پرسش‌های آغازین  
 چه چیزی صادق است؟  
 دو نوع صدق  
 صدق تجربی  
 صدق ضروری  
 عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی

## پیشفرضهای معرفت شکاکیت

رنه دکارت و روش شک  
شکاکیت دیوید هیوم  
راه حل شکاکیت: ایمانوئل کارت  
معرفت، صدق، و علم  
ماهیت صدق

نظریه انسجام در باب صدق  
نظریه عمل‌گرایانه در باب صدق  
عقلانیت

چرا عقلانی باشیم؟  
حقیقت ذهنی و مسأله نسبیت‌گرایی  
پرسش‌های پایانی  
متون پیشنهادی

## فصل ۶ خود

پرسش‌های آغازین  
خود ذاتی  
خود در مقام بدن، خود در مقام آگاهی  
خود و عواطف آن  
مخمصه خودداری  
مسأله ذهن - بدن  
رفتار‌گرایی  
نظریه این همانی  
کارکردگرایی  
خود در مقام یک انتخاب  
هیچ خود، خودهای سیار  
خود در مقام امری اجتماعی  
خود و ارتباطات  
پرسش‌های پایانی  
متون پیشنهادی

## فصل ۷ آزادی

پرسش‌های آغازین  
آزادی و زندگی خوب  
چرا آزادی اینقدر برای ما مهم است؟  
آزادی چیست؟  
آزادی اراده و تعین  
تعین‌گرایی در مقابل ناتعین‌گرایی  
نقش آگاهی

تعیین‌گرایی معتدل  
در دفاع از آزادی  
پرسش‌های پایانی  
متون پیشنهادی

## فصل ۸ اخلاق و زندگی خوب

پرسش‌های آغازین  
زندگی خوب  
لذت‌گرایی  
موقفیت  
ریاضت  
آزادی  
قدرت و خلاقیت  
دین  
خویسختی  
خودمداری در مقابل نوع دوستی  
اخلاق و نظریه‌های اخلاق  
اخلاق مبتنی بر وظیفه  
ایمانوئل کانت و مرتعیت عقل  
نظریات نتیجه‌گروانه  
فایده‌گرایی: جرمی بتام و جان استوارت میل  
ارسطو و اخلاق فضیلت  
اخلاق - نسبی یا مطلق؟  
فریدریش نیچه و حمله به اخلاق  
پرسش‌های پایانی  
متون پیشنهادی

## فصل ۹ عدالت و جامعه خوب

پرسش‌های آغازین  
اخلاق و جامعه  
ماهیت جامعه  
چه کسی باید حکومت کند؟ مسئله مشروعیت  
اقدارگیری، بازار آزاد، و ضرورت حکومت  
عدالت چیست؟  
معنای برابری  
خاستگاه‌های عدالت و قرارداد اجتماعی  
حقوق و مفهوم خود  
لیبرتاژنیسم  
لیبرالیسم

کامپیوتارینیسم  
پرسش‌های پایانی  
متون پیشنهادی

## فصل ۱۰ فلسفه، جنس، نژاد و فرهنگ

پرسش‌های آغازین  
بسط آین فلسفی  
آنسوی سنت غرب  
فرهنگ‌های دیگر، فلسفه‌های دیگر  
فلسفه جنوب آسیا  
فلسفه شرق آسیا  
خاورمیانه  
فلسفه اسپانیایی  
فلسفه بومیان آمریکا و فلسفه آفریقایی  
سیاست جنسی؛ ظهور فلسفه فمینیستی  
زنان و طبیعت  
افلاطون؛ فمینیست رئیس یا نخستین فمینیست؟  
عقل مقابله عاطفه در اخلاق؛ اخلاق مراقبت  
معرفت‌شناسی فمینیستی و علم فمینیستی  
احیاء فلسفه آمریکایی آفریقایی تبار  
مارتن لوثر کینگ پسر و ملکوم ایکس  
پرسش‌های پایانی  
متون پیشنهادی

## فصل ۱۱ زیبایی

پرسش‌های آغازین  
زیبایی و حقیقت  
لذت از تراژدی  
دلیل آوری در باب ذوق  
هنر، اخلاق و دین  
زیبایی‌شناسی فرهنگ عامه و زندگی روزمره  
پرسش‌های پایانی  
متون پیشنهادی

## ضمیمه الف نگارش فلسفه

پرسش‌های آغازین  
قواعد خوب‌نوشتن در فلسفه  
سازمان‌دهی کنید  
ساده بنویسید  
روشن باشید

انسان پاشید

مثال بزندید

مطلوب خود را مستدل کنید

اعتراضات و شفوق دیگر را در نظر بگیرید.

اصطلاحات خاص خود را تعریف کنید

از تاریخ فلسفه استفاده کنید

سبک‌های غیرمستقیم

سبک گفتگو

سبک طنزآمیز

سبک موجز

اشکال دلیل قیاسی منطقی معتبر ضمیمه ب

غالاطات غیرصوري متداول ضمیمه پ

غالاطات غیرصوري

اصطلاح‌نامه

نمایه انگلیسی به فارسی

نمایه فارسی به انگلیسی

## آغاز سخن

پاییز ۱۸۰۶ بود، شهر دانشگاهی ینا، در جایی که اینک آلمان خوانده می‌شد. تقریباً زمانی بود که اغلب دانشجویان و اساتید با آمیزهای از انتظار و نگرانی برای کلاس‌هایشان آماده می‌شدند. اساتید پژوهش تابستانیشان را به اتمام می‌رساندند و دانشجویان در حال انجام کارهایی بودند که معمولاً در پایان تابستان انجام می‌شود.

اما آن سال دانشگاه مطابق معمول آغاز نشده بود.

افراد ناپلئون به تازگی به شهر رسیده بودند و صدای توب از پله‌های کتابخانه دانشگاه شنیده می‌شد. پیشاهنگان فرانسوی قبلاً در شهر حضور داشتند، در اطراف دانشگاه قدم می‌زدند، برای جامی شراب در میکده‌های دانشجویی توقف می‌کردند، و گاه با ساکنین محلی، که بسیاری از آنها با آرمان‌های "ازادی، برابری و برادری" فرانسوی‌ها موافق بودند، دوستانه گفتگو می‌کردند.

در آستانه شروع جنگ، مردمی فلسفه جوانی به نام گنورگ ویلهم فریدریش هگل با عجله در حال اتمام کتابش - کتاب فلسفی بسیار دشواری با عنوان ناماؤس پدیدارشناسی روح - بود. اما "با روح" خود کتاب بود، و کاملاً تنش، هیجان و اضطراب آن روزهای مخاطره‌آمیز را دربرداشت. پایان مسیر گذشته زندگی و آغاز مسیری نو بود. کتاب بینشی هشیارانه گرفتار در میان نیروهای عظیم و در جستجوی مسیر در عالم انسانی جدید و هراس انگیز بود. تسلی به امید و تلاش متفکرانه بود، در جهت فهم کلی و باور به آنچه پس از آن معصومانه "کمال پذیری انسان" نامیده شد.

موقعیت مذکور را به روزگار خودمان انتقال دهید - گویی قرار بود زندگی در آمریکا، با همه عادات و خصایصمان، باورهایمان درباره خود و احاء زندگی‌مان، کاملاً دگرگون شود و به چیزی کاملاً نو و بسیار ناشناخته جای سپارد. در حقیقت ما درباره "شوک آینده" و "جربان‌های عظیم" صحبت می‌کنیم، اما اغلب آنچه تغییرات شدید و ناگهانی در زندگی امریکایی تلقی می‌کنیم صرفاً تغییر تأکید و گاه مزایای ناراحت‌کننده‌ای هستند که فنون و فناوری‌های جدید و پیشرفته به همراه می‌آورند. اگر چنین است که بسیاری از ما درباره کامپیوترها، تلویزیون و اینترنت تا این حد احساساتی می‌شویم نسبت به تغییری واقعی در زندگیمان چگونه واکنش نشان می‌دهیم؟ هگل و دانشجویانش احساس اطمینان و حتی خوشی داشتند. چرا؟ چون آنها دارای یک فلسفه بودند. آنها بیشتر درباره خود و آینده داشتند که به ایشان اجازه می‌داد که با زیان کارها و حتی تباہی جامعه خود و آشفتگی قابل ملاحظه‌ای که به دنبالش بود مواجه شوند. افکار آنها الهام‌بخش آنان بود و حتی تهدید‌آمیزترین شرایط را بامعنی می‌ساخت.

اخیراً از آن دانشجویان آمریکایی‌ام که فلسفه هگل را خوانده بودند خواستم نظرگاه خود درباره خویش و روزگارشان را وصف کنم. پاسخ‌ها امیدوار کننده بود. برای بسیاری از آنها واژه پوج خلاصه جهان به نظر

می‌آمد و بقیه از واژه‌های "بحران" و "یأس" سخن می‌گفتند. یکی می‌گفت: زندگی "عبد" است و دیگری آنرا "بی‌معنا" می‌خواند. پرسیدم: چرا؟ پاسخ‌ها این بود که بنزین گران است، اغلب آنها از عهده مصالحه کاری که واقعاً می‌خواستند برپیامده بودند و برنامه‌های تلویزیون بد است. توافق داشتیم که این رخدادها اصلاً "مصيبت‌بار" یا "عبد" نبودند و زندگی را "بی‌معنا" نمی‌ساختند. همه توافق داشتند که فکر و خیال جنگ هسته‌ای و تروریسم خوش‌بینی ما را تحت الشاعع قرار داده است، با این حال متفق‌القول بودیم که احتمال چنین فجایعی قابل بحث است و در هر صورت، همه‌ما، ولو تحت فشار باشیم، مجبور به بهترین صورت ممکن زندگی کنیم. اما پس چرا در این روزگار وفور نعمت و صلح نسبی (در مقایسه با اغلب جاهای دنیا و کل تاریخ) پاسخ‌هایمان تا این حد تاخ بود؟ ما در حال ازدست‌دادن چه چیزی بودیم که ظاهراً هگل و شاگردانش، در مواجهه با هولناکترین نزاع‌هایی که می‌شناسیم، در اختیار داشتند - چیزی که آنها را آنقدر خوش‌بین و راضی می‌ساخت؟ بازهم، پاسخ یک فلسفه است.

**گنور گ ویلهلم فریدریش هگل** در ۱۷۷۰ در اشتورنگارت متولد شد. هنگامی که دانشجوی کالج بود به انقلاب فرانسه (۱۷۸۹-۱۷۹۵) علاقه‌مند بود و ناپلئون را تحسین می‌کرد. در ۱۸۰۶ هنگامیکه ناپلئون پیشروی می‌کرد، کنترل شهر را در دست می‌گرفت، به امپراتوری هشتصد ساله روم مقدس پایان می‌داد و اصلاحات گسترده‌ای را در سرتاسر ایالت‌های آلمان پایه‌ریزی می‌کرد، وی در دانشگاه بینا تدریس داشت. در این فضای جنگ بین‌المللی و امیدهای آزادی بود که هگل فلسفه خود را، متصرکز بر مفهوم روح، به معنای وحدتی از جهان در ظرف هشیاری بشر، تنظیم کرد. روش او دیالکتیک بود - یعنی سعی کرد اثبات کند که چگونه نظرگاه‌های متناقض ممکن است بر یکدیگر تطبیق کنند و نشان داده شود که در واقع جنبه‌های مختلف پدیده لایه‌دار واحد - نهایتاً روح - هستند. هگل هنوز هم یکی از بزرگترین ترکیب کننده‌های معرفت و ارزش‌های بشری محسوب می‌شود؛ دایرة المعارف او (طبع نخست در ۱۸۱۷) ترکیب مختص‌الروزگار و کل زندگی بشر و شامل منطق، علوم، روان‌شناسی و نیز فلسفه، هنر، دین، مابعدالطیعه و اخلاق است. وی در سال ۱۸۳۱ درگذشت.

فلسفه، دین و علم همیشه ربط و نسبت نزدیک داشته‌اند. تأکید تغییر می‌کند اما جان کلام یکسان است: اهمیت افکار و فهم، اهمیت استخراج معنایی از جهان و اینکه زندگی‌هایمان را در چشم‌اندازی وسیع‌تر و حتی کیهانی تر بنگریم. افکار جایگاه ما در جهان و روابط ما با دیگر انسان‌ها را مشخص می‌کنند؛ افکار تعیین می‌کنند که چه چیزی اهمیت دارد و چه چیزی اهمیت ندارد، چه چیزی انصاف است و چه چیزی انصاف نیست، چه چیزی ارزش باورآوردن دارد و چه چیزی ندارد. افکار به زندگی معنا می‌بخشنند. اذهان ما نیازمند افکارند همانطورکه بدن‌هایمان نیازمند غذاشند. ما تشنهٔ بینش‌ها و مشتاق فهم هستیم. گرفتار امور روزمره زندگی شده‌ایم و گهگاه با فعالیت‌هایی که "بازآفرینی" و "سرگرمی" می‌خوانیم